

ناگفته‌ها در گفت‌وگو با فرج‌الله سلحشور،
نویسنده و کارگردان مجموعه‌ی تلویزیونی یوسف پیامبر (ع)

نسبت به ساخت آثار سبک و سخیف بی تفاوت نباشیم

برای گفت‌وگو و طرح سؤالات زیادی که منطقی یا غیرمنطقی در مورد مجموعه‌ی تلویزیونی «یوسف پیامبر (ع)» در میان مردم رواج یافته، به دفتر آقای «فرج‌الله سلحشور» نویسنده و کارگردان ارزشمند کشورمان که از او فیلم‌ها و مجموعه‌هایی از جمله «ایوب نبی (ع)»، «مردان آنجلس» و... را به یاد داریم رفتیم تا از ناگفته‌های مجموعه‌ی یوسف مطلع شویم. در ابتدای گفت‌وگو از ایشان عذر خواستیم که ممکن است بعضی از سؤالات کمی غیرمنطقی باشد و باعث ناراحتی‌شان شود، اما گویی این زمره‌ها به گوش خودشان هم رسیده بود؛ در جواب گفتند: «هر چه که پرسیدانند، سؤال است. حتی آن‌هایی که بیمارگونه بوده و قصد تخریب داشتند و سؤال کرده‌اند، همه را بپرسید. من هم پاسخ خواهم داد».

مهری کاظمی هر یکندی
سمانه سجادی



اگر از شما بپرسم اساساً چرا این متن را نوشتید، چه جوابی خواهید داد؟ می‌گویم منابعم را آخر مجموعه نوشتم.

نه، منظورم این است که چرا یوسف؟ چرا قصص قرآنی دیگر نه؟

اگر هر کدام را انتخاب می‌کردم باز همین سؤال بود؛ مثلاً چرا اصحاب کهف؟ چرا عیسی (ع)؟ چرا موسی (ع)؟

بسیاری از منتقدان شما بر این اعتقادند که آقای سلحشور خواسته محافظه‌کارانه عمل کند؛ یوسف را انتخاب کرده چون ادیان دیگر - یهودی و مسیحی - یوسف را می‌پذیرند.

انتقادی موردی است. من یوسف را انتخاب کردم چون یک قصه‌ی قرآنی است، نه به خاطر این که یوسف است. قبلاً هم اصحاب کهف را انتخاب کرده بودم که از طرف اقوام، ملت‌ها و کشورهای مختلف مورد استقبال واقع شد. این نشان می‌دهد که آثار قرآنی، آثار جهانی هستند نه یوسف، چون قرآن کتاب هدایت برای همه‌ی بشریت است. هر قصه‌ی قرآن را شما بردارید و بسازید یقین بدانید که بشریت امروز از آن استقبال خواهد کرد؛ البته اگر خوب عرضه شود. این که سلحشور زنگی کرده، یوسف را انتخاب کرده تا همه بپسندند و اگر موضوع دیگری انتخاب می‌کرد این‌طور نمی‌شد، درست نیست چون ما قبلاً هم نمونه‌ی رایج دادیم. مردم از حضرت مریم (س) و اصحاب کهف هم استقبال کردند.

اگر اشتباه نکنم در قسمتی یعقوب به یهودا و شمعون می‌گوید: «این‌جا سرزمین ما نیست، ما باید از این‌جا برویم و کنعان را برای کنعانیان بگذاریم»؛ آیا این جمله با هدف سیاسی گفته شده تا بگوید که اسرائیل برخلاف ادعایش هیچ حقی در فلسطین ندارد؟

بله، هدف ما از این که فیلم می‌سازیم هدف سیاسی، ایدئولوژیک و تربیتی و اخلاقی است. این‌طور نیست که برای این که انگ سیاسی‌کاری به ما نخورد اصلاً به سیاست نپردازیم؛ حتی اگر این آقایان سیاستمدار امروزی خوششان نیاید همان‌طور که امام خمینی فرمودند: «سیاست ما عین دینان ماست»، سیاست ما جزو اعتقادات ماست. خیلی دلم می‌خواهد یک راهکاری پیدا کنم تا به قوم بنی‌اسرائیل یا همین صهیونیست امروز ثابت کنم این که شما می‌گویید هبرون، هبرون الخلیل یا کنعان از ابتدا وطن ما بوده، نخیر، قبل از شما در هبرون مردمی زندگی می‌کردند و دلیل اصلی بسیار محکم‌ش هم این است که عدیه‌ی از سر چاهی که یوسف در آن افتاده بود عبور کردند که به نوشته‌ی خودتان فلسطینی

آقای سلحشور، با توجه به دو مجموعه‌ی جذابی که شما ساخته‌اید همه‌ی مردم شما را می‌شناسند، اما مشتاق‌اند بیش‌تر در موردتان بدانند؛ لطفاً کمی از زندگی خصوصی‌تان برای ما صحبت کنید و بگویید چه‌طور وارد عرصه‌ی سینما شدید.

من در یکی از دهات اطراف قزوین به دنیا آمدم. پدرم کرد و مادرم ترک بودند. از هشت سالگی، در سال ۱۳۳۹، به تهران آمدم و تا حالا در این شهر سکونت دارم. اولین کار هنری‌ام را قبل از انقلاب در مسجد با نمایش حر شروع کردم. بعد از انقلاب همین نمایش را باز هم روی صحنه بردیم و با چند نمایش دیگر ادامه دادم. اولین فیلم سینمایی که بازی کردم توبه‌ی نوح بود، در پنج فیلم سینمایی نقش اصلی را داشتم. در یک فیلم هم نقش فرعی را ایفا کردم. چند کار کوتاه تلویزیونی و چند تله‌تئاتر هم انجام دادم. چند نوشته‌ی مهم دارم که دو - سه‌تا از آن‌ها چاپ شده و بقیه در نوبت چاپ است. از آثاری که ساختم و نویسندگی‌شان هم با خودم بوده ایوب نبی (ع)، مردان آنجلس (اصحاب کهف) و یوسف پیامبر (ع) است؛ البته در اصحاب کهف فقط بازنویسی فیلمنامه با من بود. من دارای چهار فرزند - دو دختر و دو پسر - هستم که طلاب علوم دینی هستند.

به عنوان کارگردان آثار دینی و ارزشی، فکر می‌کنید بیان تصویری چه‌قدر می‌تواند در صدور اندیشه‌ی اسلامی به جهان موفق باشد؟

با یک ارزیابی سریع می‌توان به موضوع پی برد. یک کاری بحرانی کرده به نام حضرت مریم (س) و یکی هم کار بنده به نام مردان آنجلس که بی‌شود گفت پرفروش‌ترین آثار تلویزیون در خارج از کشور بودند و این‌طور که از خبرها برمی‌آید، پربیننده‌ترین آثار ایران هم بودند. یوسف هم در حال حاضر توجه بیش از دو میلیارد بیننده را از شبکه‌های جام جم و الکوثر و شبکه‌های داخلی به خود جلب کرده است. همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که مردم فیلم و مجموعه‌ی مذهبی را بهتر می‌پذیرند که قسمت اعظم یا تقریباً همه‌ی تأثیرگذاری و ارزش‌گذاری آن به قرآن و اهل بیت و اسلام برمی‌گردد. معلوم است که تأثیرات مثبتی از اسلام و ارزش‌های اسلامی در این آثار به تصویر کشیده شده که مردم به سمت آن‌ها کشیده می‌شوند. در غیر این صورت استقبال نمی‌کردند. مسلماً سینما، تلویزیون و تصویر، توان این که به بسیاری از ارزش‌های مکتبی بپردازند را دارند.



بودند. آن‌ها یوسف را از چاه برآوردند. با این حساب آن‌جا قبل از قوم بنی‌اسرائیل مردمی زندگی می‌کردند و بنیانگذارش شما نیستید.

چقدر از تخیل کمک گرفتید؟

آن قدر که فقط حلقه‌های مفقوده را پر کند. اکثر داستان‌هایی که شما در مجموعه از یوسف می‌بینید مستند است. بعضی قسمت‌ها را که قصه کامل نیست و در تاریخ هم نمی‌شود رد آن را پیدا و حلقه‌های واسطش را تکمیل کرد، سعی کردم بازسازی کنم، آن هم بر اساس مستندات موجود تا منافاتی با ماقبل و مابعد و همین‌طور کلیات قصه نداشته باشد؛ مثلاً از چاه بیرون آمده تا مصر را چه‌طور رفته، در خانه‌ی زلیخا چه‌طور زندگی کرده و زمانی که در زندان بوده دقیقاً زندان چگونه بوده، چیزهایی است که نمی‌دانیم و تاریخ هم خیلی به آن‌ها اشاره نکرده است. یوسف حکومتاری کرده اما حکومت و برنامه‌ریزی او چگونه بوده است؟ این‌ها را سعی کردیم از تخیل استفاده کنیم، منتها طوری که با قصه و فیلمنامه در تضاد نباشد.

آیا این که آخاناتون با یوسف هم‌زمان بوده هم جزئی از تخیل است؟

خیر، آخاناتون با یوسف هم‌زمان بود دو روایت در این مورد هست: بعضی‌ها معتقدند که یوسف سیصد سال بعد از آخاناتون زندگی می‌کرده، بعضی‌ها هم معتقدند که یوسف هم‌زمان با آخاناتون بوده، اما نقلی که یوسف هم‌عصر آخاناتون بوده معتبرتر است، ما هم سعی کردیم قول مشهورتر را استفاده کنیم.

چه تیم و گروهی در نوشتن فیلمنامه شما را همراهی کردند؟

تیم خاصی نبود؛ بچه‌هایی بودند که خود انتخاب کرده بودم. در بخش تحقیق یک محقق که با قرآن و متون اسلامی کاملاً آشنا بود را انتخاب کردم. یکی - دو نفر هم با او همکاری کردند. پس یک گروه سه نفره تحقیق داشتیم. سه نفر هم مشاور داشتیم که یکی از آن‌ها طلبه بود و دو نفر دیگر دکترای علوم قرآنی و حافظ قرآن بودند، به‌اضافه‌ی یک نفر کارشناس ادبیات نمایشی و پنج نویسنده که دائماً اثر را نقد می‌کردند. آقای براهیمی به عنوان مشاور اصلی همیشه در کنار کار بود و همراهی می‌کرد. بعد از اتمام کار وقتی متن به سیمافیلیم رفت یازده ماه نقد و بررسی‌اش طول کشید. در مجموع تحقیق و نگارش آن با یک گروه بیست‌نفره حدود ۴ سال طول کشید.

کار با آقای شور چه‌طور بود؟

آقای شور چه مشاور فنی و هنری بنده بودند؛ مشاور کارگردانی من که همیشه سر صحنه حاضر بودند و همه‌ی صحنه‌ها را با مشورت هم می‌گرفتیم. البته در گروه کارگردانی غیر از دستیاران کارگردان برخلاف مجموعه‌های دیگر من مشاور کارگردان هم داشتم.

چگونه فرد مناسب برای بازی در نقش یوسف (ع) را انتخاب کردید؟

ما نزدیک به دو سال متوالی از افراد مختلف اعم از حرفه‌یی و غیر حرفه‌یی تست گرفتیم. آلبوم‌های بسیاری تهیه شد و مجدداً تک‌تک چهره‌های داخل آلبوم‌ها را بررسی کردیم و تست گرفتیم تا بالاخره آقای زمانی را انتخاب کردیم.

آقای زمانی قبل از مجموعه‌ی یوسف پیامبر سابقه‌ی بازیگری داشتند؟

خیر، ایشان اصلاً بازی نکرده بود. چهره‌ی ایشان برای ایفای نقش یوسف (ع) مناسب بود ضمن این که از ایشان تست گرفتیم و احساس کردیم می‌تواند از عهده‌ی این نقش برآید.

شما شخصیت مقتدری چون زلیخا را که در تاریخ همواره از قدرت، اقتدار و عظمتش یاد شده است خرد کردید؛ قاعدتاً یکی از اصلی‌ترین مواردی که باعث برجسته شدن شخصیت حضرت یوسف (ع) بوده، علاوه بر زیبایی و عصمت، ایستادگی در برابر زنی مقتدر و مستحکم به نام زلیخاست، نه زلیخایی که این چنین در مجموعه‌ی شما ضعیف و شکننده است، این‌طور فکر نمی‌کنید؟ زلیخا در مجموعه‌ی یوسف پیامبر (ع) با قدرت و اقتدار برخورد می‌کند و به یوسف می‌گوید که من صاحب تو هستم و تو برده‌ی منی و هر چه از تو بخواهم باید برآورده کنی. زلیخا چه مقتدر باشد چه شکننده این عین آیه‌ی قرآن است که زلیخا می‌گوید من برای تو هستم و در قرآن بیان شده که

زلیخا به دنبال رسیدن به نفسانیت خود بوده، ضمن این که این مسئله با بینش مذهبی ما هم در تضاد است. ما نمی‌توانیم زن شوهرداری که به دنبال خیانت و گناه است را مثبت و مقتدر نشان دهیم. این زن به دنبال هوای نفسش است؛ شاید بعدها تغییر کند، اما در این مرحله به دنبال نفسانیت بوده و گناهکار است. در قرآن عشق زلیخا، عشق بسیار نفسانی و گناه‌آلود است. **عده‌یی معتقدند که مجموعه‌ی یوسف پیامبر (ع)، سفارشی و تبلیغاتی برای آقای احمدی‌نژاد است؛ پاسخ شما به این عده چیست؟**

این بخش‌هایی که یوسف برای سرکشی به شهرها و مزارع می‌رود و همه چیز را کنترل می‌کند به کارهای آقای احمدی‌نژاد شباهت دارد. این شباهت به این دلیل است که هر دوی ما از یک منبع فرهنگی الهام می‌گیریم که آن قرآن است و اگر من بخواهم یک مدیریت الهی را به تصویر بکشم این خیلی طبیعی است که شبیه مدیریتی باشد که آقای احمدی‌نژاد در کشور اعمال می‌کند. البته قبل از آقای احمدی‌نژاد مقام معظم رهبری بنیاد مسافرت‌های استانی را گذاشتند و آقای احمدی‌نژاد الگویش مقام معظم رهبری بود. بنابراین، این باور شخصی من است و نیازی به سفارش گرفتن از آقای احمدی‌نژاد نبود؛ ضمن این که در سال ۱۳۸۲ که من یوسف را تمام کردم آقای احمدی‌نژاد هنوز شهردار هم نشده بودند. من با متن تمام‌شده سر کار رفتم؛ این‌طور نبود که کار را شروع کنم و بعد آن را تغییر دهم.

چرا گروهی از علما به این مجموعه ایراداتی وارد کردند؟

برخی با ما مخالف هستند به‌علاوه خیلی‌ها با این مجموعه موافق هستند طرفداران این مجموعه‌ی تلویزیونی خننا را شکر کم نیستند. برای اطلاع از نظرات علما در مورد این مجموعه می‌توانید به سایت سیمافیلیم رجوع کنید. نظرات آیت‌الله نوری همدانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله یزدی و آیت‌الله مقتداعی در این سایت موجود است.

عده‌یی معتقدند که شما قسمت‌هایی را از تورات گرفتید و این باعث عکس‌العمل علما شده است؛ در این مورد چه جوابی می‌دهید؟

نه. کمکی که از تورات گرفتیم کمک محتوایی نیست. آن قدر کتب تاریخ و تفسیر ما غنی است که ما کوچک‌ترین نیازی به تورات و هیچ کتاب دیگری نداشته باشیم. فقط از نظر تکمیل قصه تورات را مطالعه کردیم. از نظر تاریخی هم تنها منبعمان نبود؛ ما غیر از تورات منابع زیادی داشتیم که در انتهای مجموعه قید شده‌اند. ما به عنوان یک منبع مستند و قابل اعتماد به هیچ وجه به تورات نگاه نمی‌کنیم.

جناب سلحشور، در خصوص ساخت مجموعه‌ی تلویزیونی یوسف پیامبر (ع) آیا چیزی هست که اتفاق افتاده و شما تا کنون نگفته باشید و بخواهید مخاطبان بدانند؟ حال به صورت گلابیه، خاطره یا هر چیز دیگر ...
دل‌م می‌خواهد بینندگان مجموعه بدانند این که یوسف خیلی خرج



برداشته دروغی بیش نیست. یوسف از نظر زمانی نصف زمان فیلمبرداری مجموعه‌های معاصر خودش را داشته و از نظر بودجه هم یک - چهارم آن‌ها خرج کرده است. در حال حاضر دو فیلم سینمایی در حال تولید است که به اندازه‌ی بودجه‌ی مجموعه‌ی ۴۲ قسمتی یوسف خرج برداشته است. بودجه‌ی ما شش میلیارد و چهارصد میلیون تومان بوده و این همنه‌ی پولی است که ما از بیت‌المال برای ساخت این مجموعه دریافت کردیم. مطلب دیگر این که مردم خوب ببینند و دقت کنند که موضع‌گیری سینما و تلویزیون و هنرمندان این مملکت و مطبوعات هنری در قبال یک اثر قرآنی چیست. این می‌تواند وسیله‌ی شناختشان باشد و خوب هنرمندان و مطبوعات هنری را بشناسند. چرا سیاست تلویزیون به عنوان یک رسانه‌ی ملی و دولتی طوری است که میدان برای کسانی که آثار غیردولتی و متناسب با فرهنگ غرب می‌سازند بازتر است؟

برای این که غیر از این نمی‌تواند باشد. ضرب‌المثلی هست که می‌گوید از کوزه همان برون تراود که در اوست. از این سینما و این تلویزیون این نوع آثار بیرون می‌آید. دست مسئول تلویزیون نیست؛ حتی بخواهد هم نمی‌تواند از این عوامل بهتر از این دریاورد، یعنی آثاری بهتر از این‌ها نمی‌توانند خلق کنند. سینما و تلویزیون دنیا از جمله سینما و تلویزیون ایران که تأثیر گرفته از سینمای هالیوود و سینمای دنیاست، فقط ظاهر را می‌بینند؛ دریا می‌روند فقط طوفان را می‌بینند، بین آدم‌ها و زندگی خانوادگی دعاها را می‌فهمند و ... این‌ها قادر به درک روابط مثبت و انسانی نبوده و اصلاً بلد نیستند عشق و صمیمیت را به تصویر بکشند.

سینماگران ما فقط بلدند زن را یا به عنوان موجودی ذلیل و توسری‌خور به تصویر بکشند یا موجودی دریده و بی‌حیا و پررو؛ توان و قدرت به تصویر کشیدن زنی که سمبل پاکی، عفاف، ایثار و عشق است را ندارند. برخی از سینماگران ما اصلاً نمی‌توانند درک کنند که چرا هم خدا را به عنوان معشوق می‌شناسند و هم زن را! به همین دلیل هم فقط و فقط به ظاهر می‌پردازد چون برای آن‌ها فقط ظاهر، جذاب و قابل درک است. پس فقط مسئول مقصر نیست.

در مورد کارهای دیگری که در دست ساخت دارید بگویید.

سه‌تا کار دستم است اما هنوز تصمیم قطعی نگرفتم. من هنوز به متون دلخواه خودم دست پیدا نکردم. در حال حاضر یونس پیامبر است، نرجس‌خاتون که به احتمال زیاد تهیه‌کنندگی آن را به عهده خواهم گرفت، موسی هم هست و بنیاد‌القدر هم پیشنهاد داده که واقعه‌ی غدیر را بسازم؛ البته کربلا و رسول اکرم هم جزو موارد پیشنهادی‌ست، اما هنوز تصمیم نگرفتم و کاری در حال ساخت ندارم. درباره‌ی سینمای دفاع مقدس صحبت کنید؛ نظر شما در مورد این سینما چیست؟

سینمای دفاع مقدس هم مثل دیگر گونه‌های سینما بیش‌تر به ظاهر توجه می‌کند. از جنگ فقط آر‌تی‌ست‌بازی‌ها و حواشی منفی را دیدند؛ فرزندی پدر و بعضاً مادر از دست داده، مادری بی‌پسر شده و همسری بی‌شوهر شده را دیدند، این را دیدند که جوانان از دست رفتند و در کشور ویرانی شده، اما این را ندیدند که کشورشان بیمه شده یا الآن گلوگاه آمریکا به اسرائیل در دست‌های ایران است و این ایران است که دارد آن را می‌فشارد. اسرائیل و آمریکا دارد جان‌شان درمی‌آید اما نمی‌توانند حتی یک چنگ بیندازند، در حالی که می‌بینند به دست ایران دارند نابود می‌شوند.

فیلمساز دفاع مقدس باید این ارزش‌ها را که در سایه‌ی ایثارها و شهادت‌ها به دست آمده به تصویر بکشد. دیگر این که فرهنگ شهادت ترویج شد، یعنی همان فرهنگ شجاعت، فرهنگ عاشورایی. جنگ ما یک دفاع عاشورایی بود. ما در حقیقت کربلا را احیا کردیم. مادرانمان به امید این که پا جای

پای حضرت زینب (س) بگذارند فرزندانشان را به جبهه فرستادند. پدرانمان برای این که پیرو فرهنگ حبیب بن مظاهر و ... شده باشند فرزندانشان را به جنگ فرستادند. ما برای این که ایران را کربلا کنیم جنگیدیم. روح جنگ ما فراموش شد. اگر این روح به سینمای جنگ برگردد سینمای جنگ از این سردرگمی نجات پیدا خواهد کرد، اما ساخت فیلم‌های جنگی عاشورایی به این سادگی هم نیست. این کار نیاز به تلاش و تمرین زیاد دارد.

آقای سلحشور، در سینمای ما مسئله‌ی فلسطین اصلاً بیان نمی‌شود در حالی که قضیه‌ی گوساله‌ی سرخ‌مو و ساخت معبد سوم سلیمان آشکارا بیانگر آن است که آن‌ها با حفر تونل‌هایی در زیر مسجدالاقصی و سست کردن پایه‌هایش می‌خواهند هر چه زودتر آن را ویران کرده و ساخت معبد را آغاز کنند؛ این سکوت از جانب سینماگران یعنی چه؟ تنها دو - سه نفری هستند که در ساخت آثار ضدصهیونیستی فعال بودند. فیلم‌هایی هم ساختند که آثار ارزشمندی‌اند.

چه فرقی میان سیاست‌های تلویزیون و سینما وجود دارد؟

بعضی از تله‌فیلم‌هایی که در حال ساخت است آثار خوب و مثبتی‌اند. تلویزیون گاهی آثار خوبی را عرضه می‌کند، اما در سینما کم‌تر آثار ارزشی دیده می‌شود چون لازمه‌ی ساخت این نوع کار فروش فیلم است. سینمای ایران به این نتیجه رسیده که سینمای گیشه‌یی، سینمای ارزشی نیست. بعضی‌ها که سرمایه‌شان از جاهای دیگر تأمین می‌شود، ترسی از این ندارند که فیلمشان بفروشد یا نه. این آثار هم اگر حرف‌های مستهجن نمی‌زنند آبروی ایران را می‌برند. این‌ها هم آثار آن‌ور آبی هستند. گفته شده شما در انجمن هنرمندان مسلمان فعالیت دارید؛ ممکن است در این مورد بیش‌تر توضیح دهید.

بله؛ اصلاً بنیانگذار این انجمن خود من بودم. ما می‌خواستیم آن‌جا مرکز سازماندهی و وحدت و همدلی بچه‌مسلمان‌ها باشد همین. اگر صحبتی مانده بفرمایید.

از مردم خواهش کنم اگر از یوسف خوششان آمد و آن را اثر مثبتی دیدند، از مسئولان بپرسند که چرا به جای این نوع آثار، آثار سبک و سخیف ساخته می‌شود مردم هم نقش خودشان را در احیای سینمای ایفا کنند و بی‌تفاوت نباشند ■